

سپاس امام امت از سرباز مقاومت

سردار حاجی‌زاده از دستان مبارک فرمانده کل قوا مفتخر به دریافت «نشان فتح» شد حضرت آیت... خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا، روز گذشته، طی مراسمی به سردار امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «نشان فتح» اعطا کردند. اعطای این نشان به دلیل عملیات درخشان «وعده صادق ۲» انجام شد. نشان فتح، به‌عنوان نماد عملیات‌های پیرومندانه رزمندگان اسلام و فاتحان این عملیات‌ها انتخاب شده است.

این مدال، نشان‌دهنده ابعاد وسیع و موفقیت‌آمیز عملیات وعده صادق ۲ دارد. در این عملیات، موشک‌های مافوق صوت نیروهای مسلح کشورمان توانستند ضمن عبور از سامانه پدافندی رژیم صهیونیستی و نابودی رادار میلیون دلاری «باند ایکس آمریکا»، ضمن هدف قراردادن زیرساخت‌های راهبردی رژیم اشغالگر، بازدارندگی بزرگ نظامی برای کشورمان به ارمغان بیاورند.

آخرین مجاهدی که مفتخر به دریافت نشان فتح شده بود، سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی به‌نیابت از کل نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. سرلشکر سلامی، ۳۰ اسفند ۱۴۰۲ طی مراسمی دراین باره گفت: «امروز این توفیق الهی برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بنده حاصل شد که به‌محضر نایب حضرت امام زمان (عج) مشرف شویم و رهبر انقلاب اسلامی امروز با نقض بل سپاه یک نماد آشکار از رضایت معظم‌له از همه مجاهدت‌های سپاه به این نهاد اعطا و ایشان یک نشان فتح را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعطا فرمودند... این محصول همه مجاهدت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که فقط به‌شکل نمادین به بنده اعطا شد و همه پاسداران و بسیجیان در این نماد سهم دارند و اگر تقسیم کنیم کمترین سهم متعلق به بنده است، بلکه متعلق به برادران ماست که در ارتفاعات، چند درجه زیر صفر یا قلب‌های استوار و گام‌های مستحکم و دستان روی‌ماشه از حیثیت و استقلال این سرزمین دفاع می‌کنند».

اما نشان «فتح» چیست و تاکنون کدام فرماندهان نیروهای مسلح، مفتخر به دریافت این نشان از فرمانده معظم کل قوا شده‌اند. این نشان، از سه برگ درخت نخل و گنبد مسجد جامع خرمشهر و نیز پرچم جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است. پس از آغاز زعامت حضرت آیت... خامنه‌ای به‌عنوان رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا، ایشان بنابه مناسبت‌های مختلف، اقدام به اعطای این نشان به فرماندهان عالی‌رتبه و رزمندگان جان‌برکف نیروهای مسلح کرده‌اند که اولین آن، روز ۵ مهرماه سال ۱۳۶۸ بوده است؛ درآن روز که ششمین روز از هفته دفاع مقدس محسوب می‌شد، ۵۴ نفر از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران که نقش مهمی در عملیات بزرگ و ظفرمندانه بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر در سال ۱۳۶۱ ایفا کرده بودند، طی مراسمی به افتخار دریافت نشان فتح از رهبر انقلاب اسلامی شاکت داشته‌اند. در مراسم مذکور، محسن رضایی و امیر شهید صیاد شیرازی، فرماندهان قراگاه مرکزی کربلا در عملیات بیت‌المقدس و همچنین یکی از بستگان بسیجی نام‌آور و بر افتخار شهید حسین فهمیده نشان درجه یک فتح را دریافت کردند. همچنین در این مراسم به ۲۱ نفر از فرماندهان سپاه پاسداران و ارتش و یک نفر از جهادگران نشان درجه ۲ فتح و به ۲۹ نفر دیگر از فرماندهان سپاه و ارتش که در عملیات پیروزمندان بیت‌المقدس شاکت داشته‌اند، نشان درجه ۳ فتح تعلق گرفت که توسط حضرت آیت... خامنه‌ای به آنان اعطا شد. ازجمله مشهورترین فرماندهانی که دراین مراسم مفتخر به دریافت نشان فتح شدند، می‌توان به سرلشکر خلبان شهید عباس بابایی، امیر خلبان حبیب‌باقی، امیر شهید مسعود منفردنیایی، علی شمخانی، سید یحیی رحیم‌صفوی، غلامعلی رشید، شهید غلامحسین افشردی، شهید مهدی باکری، شهید مهدی زین‌الدین، شهید حسین خرازی، شهید ابراهیم همت، عزیز جعفری، شهید قاسم سلیمانی و شهید احمد کاظمی اشاره کرد. در تاریخ ۱۵ بهمن سال ۱۳۶۸ و یمن دهه فجر، ۲۱۰ تن از فرماندهان و نیروهای برجسته و قداکار ارتش و سپاه که در دو عملیات پیروزمندانه کربلای ۵ و کربلای ۵ نقش مؤثر و مهمی را بر عهده داشتند، به افتخار دریافت نشان فتح از دست حضرت آیت... خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا نائل شدند. فرمانده معظم کل قوا، در سال ۱۳۶۹ و به‌مناسبت هشتمین سالگرد آزادی خرمشهر از اشغال متجاوزان بعث عراق نیز نشان درجه یک و درجه دو فتح را به ۷۶ تن از فرماندهان، رزمندگان و یارماندگان شهدای عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس اعطا کردند. همچنین رئیس ستاد فرماندهی کل قوا نیز نشان‌های درجه سه فتح را از دست مقام معظم رهبری دریافت و پس از پایان این مراسم، به‌نماینده‌ای از ستوب فرماندهی کل قوا به ۴۱۰ نفر از فرماندهان و رزمندگان متوجه اسلام که در این دو عملیات پیروزمندی حضور فعال داشتند، نشان اعطا کرد. محسن رضایی، فرمانده کل پیشین سپاه پاسداران در جنگ ایران و عراق، با دریافت سه‌نشان طلایی رکورددار دریافت بیشترین مدال طلایی فتح ۱ است. پس از او، به‌ترتیب، سرلشکر سید یحیی رحیم‌صفوی (دو نشان طلایی و یک نقره‌ای)، امیرحسین حسینی سعدی (دو طلایی و یک نقره‌ای)، سپهبد شهید علی صیادشیرازی (دو طلایی)، امیر درباردار علی شمخانی (یک طلایی و دو نقره‌ای) و سپهبد شهید قاسم سلیمانی (یک طلایی و یک نقره‌ای) بیشترین نشان فتح را دریافت کرده‌اند. همچنین مرحوم اکبر هاشمی رفسنجانی (با یک مدال طلایی) و حسن روحانی (با یک مدال نقره‌ای) از جمله معودین غرظامیان دریافت‌کننده این نشان هستند.

نماز جمعه‌اخر یکی از نصرت‌های الهی بود

مجلس خیرگان رهبری در بیانیه‌ای به‌مناسبت برگزاری نماز جمعه‌نصر به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی، تأکید کرد: نماز جمعه این هفته تهران و حضور باشکوه و میلیونی مردم ایران در آن، یکی دیگر از مصادیق مبارزه با ظلم مستکبران و اعلان قدرت این نظام مقدس و قریاد خفته ملتی بود که از زبان گویای رهبر عالیقدر انقلاب حضرت آیت... العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) در خطبه‌های

توهم پیروزی باجنون توحش

افزایش جنایات رژیم صهیونیستی و تولید «وحشت بزرگ» با هدف ادعایی

عقب راندن مقاومت اسلامی، موجب انباشته‌شدن خشم پشتوانه‌های مردمی

مقاومت و در نتیجه، سرعت گرفتن سقوط این رژیم خواهد شد



کامران فجاجتی
تحلیلی‌ساز مسائل سیاسی

آنچه که اغلب تحلیلگران نظامی و سیاسی و حتی مقامات غربی و آمریکایی نیز به آن اذعان دارند و سیاست عدم همراهی را در پیش گرفته‌اند، تصمیم کابینه جنگی نتانیاهو برای حمله و ورود زمینی به لبنان است که حتی در خود اسرائیل هم مخالفان جدی دارد. در واقع طبق اظهارات منابع غربی در گفت‌وگو با CNN، طرف اسرائیلی، آمریکایی‌ها را متقاعد کرده بود که عملیات در لبنان نسخه‌ای کاهش یافته از جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ و ورود زمینی محدود به خاک لبنان برای نفوذ به نوتل‌ها برای از بین بردن استحکامات و تسلیحات حزب... و سپس عقب‌نشینی از خاک لبنان باشد و با این پیش شرط هم توانسته بود، موافقت آمریکایی‌ها را جلب کند؛ در حالی که در عمل شواهد حاکی از آن است که گرنه نیروی زمینی رژیم اسرائیل با تجهیز و گسیل تمام توان خود، موفق نشده بعد از گذشت بیش از یک هفته، حتی چند صد متر به عمق خاک لبنان نفوذ کند، اما تنهاجم گسترده‌ای را از طریق بمباران بی‌سابقه هوایی به خاک لبنان شروع کرده است. در واقع نتانیاهو و کابینه افراطی او، عزم خود را جزم کرده‌اند تا با طراحی مجموعه اقدامات رعدآسا و نمایشی از طریق تولید وحشت بزرگ از یک سو، هم باعث ارباب و تحت فشار قرار دادن محور مقاومت و رزمندگان حزب... و مردم لبنان و هم از سوی دیگر با دستاوردسازی نمایشی، همراهی و حمایت حامیان غربی را برای تجاوزگری و افزایش دامنه توحش و یحران به‌دست آورند؛ راهبردی که از جهات مختلف محتم و محکوم به شکست است.

دلایل این شکست محتم و می‌توان از چند منظر مورد بررسی قرار داد؛ در وهله نخست ترور ناجوانمردانه رهبران و فرماندهان محبوب حزب... نه‌تنها خدشه‌ای به ساختار تئومند نظامی و پایگاه مستحکم مردمی حزب... وارد نخواهد ساخت، بلکه زمینه تترام شدن خشم عمومی، برانگیزش روحیه همبستگی و سرپراوردن جانشینانی با انگیزه‌های قوی‌تر برای مبارزه را رقم خواهد زد و این لحاظ نکردن روحیه ایمانی جوامع مسلمان و به‌ویژه اراده شهادت‌طلبانه جامعه شیعیان لبنانی، خطایی به‌مراتب بزرگ‌تر از عدم محاسبه یا شناخت از ساختار جایک و توانمندی خدشه‌ناپذیر نظامی حزب... است؛ همان نکته کلیدی که مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌هایشان از آن تحت عنوان «جنگ اراده‌ها» یاد می‌کنند. در چنین جامعه ایمانی ریشه‌داری، وقتی عرصه نبرد به سمت قوت گرفتن «خشم مقدس» و «افزایش انگیزه‌های ایمانی» پیش رفت، زمینه سرپراوردن رزمندگان و فرماندهان از جان‌گذشته‌یشتنری هم‌میها خواهد شد که در نهایت، موجبات شدت گرفتن ضربات محور مقاومت و

سرعت یافتن زوال رژیم صهیونیستی را رقم خواهد زد. در بیانات «جمعه نصر» مقام معظم رهبری هم می‌فرمایند که عزاداری ما، برای رهبران و فرماندهان شهیدمان، از جنس تومیدی نیست، بلکه از جنس سوگواری برای سیدالشهدا است که عامل انگیزه بخش نقش نیروی پیشران اراده‌ها را ایفا می‌کند. خطای محاسباتی دوم رژیم نامشروع صهیونیستی که رهبری معظم انقلاب بار دیگر عبارت «سگ‌ها» را برای توصیف درنده‌خوبی افسارگسیخته آن به‌کار بردند، ساده‌انگاری توان‌مندی دفاعی و توان نظامی حزب... و درس نگرفتن از تجربیات پیشین است؛ این رژیم باوجود در اختیار داشتن حمایت‌های تمام‌وکمال غربی‌ها و به‌کار بستن حجم بی‌سابقه‌ای از قتل‌عام و ویرانگری در غزه، بعد از یک‌سال تجاوز و جنایت و بمباران بی‌وقفه، نتوانسته حتی یک‌مورد از اهداف اعلامی خود مبنی بر از بین بردن حماس، تخریب کامل نوتل‌ها و آزادی اسرائیل را محقق سازد.

حال سؤال این جاست که رژیم صهیونیستی چگونه می‌خواهد در برابر نیرویی ده‌ها برابر قوی‌تر به اسم حزب... در اقلیتی متفاوت و کوششانی با سربازانی خسته و درمانده از جنگ، به هدف خود برآی ناپود کردن توان نظامی حزب... و بازگرداندن ساکنان شهرک‌های شمالی سرزمین‌های اشغالی دست یابد؟ اینها جدای از مجموعه چالش‌هایی است که این رژیم و لشکر شکست خورده آن، به‌لحاظ موقعیت جغرافیایی منطقه، پوشش جنگلی، فرارسیدن فصول سرد سال، انتخابات آمریکا، دست‌کشیدن بریتانیا و فرانسه از ارسال کمک‌های تسلیحاتی، فشار افکار عمومی در دنیا، گسترده‌شدن اعتراضات داخلی، تنگنای شدید اقتصادی، کاهش تاب‌آوری و فروپاشی روانی مردم در اراضی اشغالی، افزایش انرژی و نفرت جهانی، با آن مواجه است. از آنجا که شاکله ماهیتی این رژیم را نظامیان و معودو سیاست‌مداران امنیتی و افراطی در دست دارند و راهبردهای سیاسی و دیپلماتیک، جایی در نظام حکمرانی رژیم نامشروع اسرائیل ندارند، راه‌حل همه چالش‌ها را در اتخاذ رویکرد نظامی و اعمال زور می‌بیند

اسرائیل ندارد، راه‌حل همه چالش‌ها را در اتخاذ رویکرد نظامی و اعمال زوری می‌بیند و به‌همین دلیل نیز به‌طرز افراط‌گونه و احتمانه‌ای، علاقه‌مند است از مبتنی بر نظامی‌گری بی‌حد و حصر و به‌امید عقب‌راندن حزب... و محور مقاومت، امتیازات دلخواهش را تصاحب کند و همه امواتش را با توسل به بالاترین سطح کشتار و ویرانی و تجاوزگری پیش ببرد یا از طریق تصاعد یحران و گسترش دادن دامنه نبرد، پای کارفرمای غربی را

نماز، به‌گوش دنیا رسید و روح جدیدی در کالبد ملت ایران و آزادگان جهان دمید.

مجلس خیرگان رهبری ادامه داد: نماز جمعه این هفته تهران بعد از عملیات وعده صادق، الحق یکی دیگر از نصرت‌های الهی بود که موجب دلگرمی جبهه مقاومت و مردم ستمدیده غزه و لبنان شد و یابیندی ملت شریف ایران اسلامی را نسبت به اصل بنیادین و مترقی ولایت فقیه

به جنگی فراگیر در منطقه باز کرده و اصطلاحا کار را یکسره کند؛ درحالی که همین موضوع تبدیل به پاشنه آشیلی برای غوطه ور شدن هرچه‌بیشتر این رژیم در محاصره آتشی خواهد شد که خود، اسباب شعله‌ور شدن آن را فراهم آورده است. در شرایطی که به‌منظرمی‌رسد استراتژی محور مقاومت، نگهداشتن رژیم صهیونیستی در این نبرد فرسایشی و کامل کردن حلقه آتش پیرامون سرزمین‌های اشغالی است، اتخاذ توحش نظامی دیوانه‌وار، نه‌تنها باعث عقب‌راندن یا ازکارآفتادن توان رزم حزب... نخواهد شد، بلکه با عمق پیداکردن تدریجی و شدت‌گرفتن ضربات و کوشاندن صحنه منازعه به مرکز اراضی اشغالی و شهرهای بزرگ آن، حلقه محاصره آتش محور مقاومت را روزبه‌روز تنگ‌تر خواهد کرد که در نهایت به زوال این دجال اشغالگر منطقه‌ای که رهبری انقلاب تعبیر «استعمار وطن‌خوار» را برای آن بکار بردند، سرعت خواهد بخشید. سؤال این‌جاست‌که کابینه جنگ‌رژیم صهیونیستی‌و شخص نتانیاهو چگونه بدون اطلاع وثیق از محدودیت‌های خود و توان‌مندی محور مقاومت، دست به چنین جنون لجام‌گسیخته‌ای زده‌است و اساسا چه هدف مشخصی را دنبال می‌کند؟ پاسخ این سؤال هم از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. قدر مسلم نتانیاهو اکنون به نوعی منافع شخصی خود را به منافع ملی ساکنان سرزمین‌های اشغالی و آمریکا گره زده؛ چراکه او بهتر از هر کسی در صورت وقوع هرگونه آتش‌نسی، به سرنوشت قضایی خود، مبنی بر فساد مالی در داخل

و احکام دیوان بین‌المللی کیفری (لاهِ) در عرصه بین‌المللی و در مقام جنایتکار جنگی آگاه است؛ از سوی دیگر به واسطه فروپاشی هیمنه امنیتی و نظامی خود از زمان عملیات طوفان الاقصی و همچنین وقوع دو عملیات وعده صادق ۱ و ۲ از سوی جمهوری اسلامی ایران، ناکامی سنگین یک‌ساله در ورود به غزه و عدم توفیق در از بین بردن حماس و آزادی اسرا و را در یک دره عمیق سیاسی پرت کرده که برای بیرون آمدن

و ارادت قلبی آنان به انقلاب اسلامی و رهبری معظم را به نمایش گذاشت.

مجلس خیرگان رهبری تصریح کرد: ضمن قدردانی از این حضور آگاهانه و بصیرت انقلابی، خدای متعال را برای داشتن رهبری شجاع و زمان‌شناس و مردمی فهیم شاکریم و همواره برای طول عمر و سلامتی این عمود خیمه نظام، متضرعانه دعا می‌کنیم.



از آن، چاره‌ای جز توسل به هر اقدامی که بتواند ولو موقت او را از قعر این دره جهنمی بهراند، ندارد. در همین راستا نتانیاهو باتأسی به سلف سفاک خود، بن گوریون، به عنوان اولین نخست‌وزیر رژیم کودک‌کش اسرائیل، راهبرد «ضربات شوکه‌کننده رعب آور ویرانگر» را همزمان با به کار بستن نیردی ادراکی در پیش بگیرد، احتمالا و بعد از دوره‌کردن کلاس درس جنایت بن‌گوریون، بیش از هر چیز تحت‌تاثیر یکی از جنایت‌کارترین گروه‌های تروریستی تاریخ یعنی هاگانا بوزده، یکی از خونبارترین اقدامات این گروه متوحش که باهدف ایجاد ارباب عمومی در میان اعراب و تلاش برای اخراج آنها از مناطق مسکونی خودشان به اجرا درآمد، بمب‌گذاری و انفجار هتل «سیرامیس» با همه مسافرانش در ژانویه ۱۹۴۸ بود که در آن، عده زیادی از جمله اتباع برخی کشورهای اروپایی به خاک و خون کشیده شدند. عملیات تروریستی پیچرها، ترور بزدلانۀ سید حسن نصر... و جمعی از فرماندهان با حجم سنگینی از بمب‌های سنگرشکن، متعاقبا ترور شهید هنیه در تهران را می‌توان در همین چهارچوب ارزیابی کرد. اما در کنار این راهبرد نظامی و تروریستی، رژیم صهیونیستی به دنبال آن است تا با پیمایش ترس و شایعه، فتنه‌انگیزی و شورا ندن مردم در کشورهای هدف و ایجاد اختلاف و جنددستگی، نظام ادراکی محور مقاومت و مردم منطقه را دچار فروپاشی کرده و از آن به عنوان اهرم فشار برای تضعیف ستون‌های اصلی جبهه مقاومت استفاده کند؛ غافل از این‌که در این محاسبات، هم نقش حافظه تاریخی ۷۵ ساله مردم منطقه و تئومندشدن ریشه‌های به هم پیوسته شجره طوبیه مقاومت را نادیده گرفته و از این منظر نیز قادر نخواهد بود با به کار بستن حيله‌های نخب‌نمائی قدیمی، خللی در اراده این نبرد ایمانی وارد آورد، بلکه برعکس با کنارزدن اجباری نقاب تروریور و داروئردن دستکش‌های مخملی، اسباب به هم پیوستن افشار از هم‌گسسته اجتماعی و قوی‌تر شدن حلقه اتحاد ملت‌ها را منجر خواهد شد که حضور کم‌نظیر آحاد مختلف مردم در نماز جمعه نصر تهران و برای نبرد روحیه‌بخشی به رزمندگان خط مقدم نبرد، جلوه‌ای از این بیداری شوکه‌مند ملت‌های منطقه بود که اثر آن بر پیکره ترک‌خورده رژیم اشغالگر به مراتب از شلیک موفقیت‌آمیز موشک‌ها، مگکاتر و ویرانگرتر خواهد بود.

آرمان دفاع از فلسطین، بن‌مایه انقلاب اسلامی

عملیات طوفان الاقصی و جنایات رژیم صهیونیستی موجب شد تا اصل دفاع از مظلوم، بار دیگر در ساختار جمهوری اسلامی حیات دوباره پیدا کند



حسین رahnema
دیپلروکروه سیاسی

کلیدواژه مقاومت در ادبیات سیاسی و اسناد حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تعیین‌کننده راهبردهای بنیادین ارکان مختلف نظام در تصمیم‌گیری‌های داخلی و بین‌المللی کشور است. اقتضای وصف «اسلامی» مقاومت نیز مبتنی‌بر مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی، اتخاذ

راهبردهایی ویژه در سطح روابط بین ملت‌ها و کشورهای اسلامی به‌ویژه نسبت به حمایت همه‌جانبه از جنبش‌ها و گروه‌های دارای رویکرد حق‌طلبانه و استکبارستیزانه در جریان «مقاومت اسلامی» است. نمود حمایت از مقاومت اسلامی به‌رغم افت‌وخیز در ادوار مختلف دولت‌ها و مجالس، در سطوح مختلف حکمرانی و سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه با محوریت حمایت از آرمان آزادی و استقلال ملت فلسطین و جنبش‌های مقاومت همسو با این آرمان، تجلی یافته است. از یک سو، تجلی روح استکبارستیزی مردم ایران که از اولین سنگ‌نبای آن آغاز انقلاب اسلامی بود و توسط معمار کبیر انقلاب در مسائلی مانند برافراشتن علم اعتراض به لایحه کاپیتولاسیون به‌درستی هدایت شد، در کالبد میثاق ملی قانون اساسی حلول یافت و از سوی دیگر با انعکاس اندیشه‌های داهیه‌انه مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی نظام تأثیر بسزایی در جهت‌دهی مسیر قانون‌گذاری و هدایت دولت به برنامه‌ریزی در جهت تأمین و تضمین آزادی ملت ایران و سایر ملت‌ها به‌ویژه امت اسلامی از چنگال سلطه‌گران و استعمارگران داشته است. پایه نظام

جمهوری اسلامی در نفی هرگونه ستمگری و سلطه‌گری که مبنای حمایت از مقاومت اسلامی است را در نص اصول قانون اساسی ابتدا باید از اصل دوم قانون اساسی ادراک کرد. بر این اساس، جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه نفی هرگونه ستمگری و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال را تأمین می‌کند، عملیات طوفان الاقصی و پس از آن، جنایات حیرت‌آور رژیم موقت صهیونیستی علیه مردم مظلوم غزه و لبنان، زمینه را برای حمایت مجدد دولت و ملت برآمده از انقلاب اسلامی ایران از مظلومان فراهم آورد. به بیان دیگری می‌شود چنین نگاشت که تحولات یک سال اخیر در منطقه، باردیگر اذهان را به سمت درونمایه انقلاب اسلامی هدایت کرد و روشن ساخت که یکی از اساسی‌ترین بن‌مایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، پشتیبانی از هر جبهه‌ای است که فارغ از آیین، دین و قومیت، مورد ظلم و تعدی مستکبران واقع شده باشد.

مسیر درست و غلط تاریخ



مهرداد کاروبی
تحلیل‌گر سیاسی

مرور تجارب گذشته‌نشان می‌دهد کسانی که در مقابل ظلم و زور سکوت نکردند و به دفاع از مظلومان و ستمدیدگان پرداختند، در واقع در مسیر درست تاریخ قرار داشته‌اند. ما انسان‌ها یک روزی می‌کنیم بی‌ایم و یک روزی هم از دنیا می‌رویم و همواره بایین پرسش مواجیم که انتخاب درست ما در طول زندگی چیست؟ آیا زمانی که با ظلم و بی‌عدالتی روبه‌رو شدیم، می‌توانیم از آن چشم‌پوشیم و سکوت اختیار کنیم یا وظیفه ما این است که در مقابل ظالمان، ایستادگی کنیم و به حمایت از مظلومان برخیزیم. هر دو راه، پیش‌روی ما است و این‌ها هم‌هستیم که انتخاب می‌کنیم که در کدام سمت تاریخ قرار بگیریم. هزاران سال است که از زندگی بشر روی کره زمین می‌گذرد و اقوام و انسان‌های مختلفی با عقاید گوناگون چند صبحایی زندگی کردند و از دنیا رفتند و این سرنوشت حتمی ابیانی بشر است. طبعاً آنچه به زندگی ما ارزش می‌دهد، فقط خورد و خوراک و برخورداری از لذت‌های دنیایی نیست. انسان، موجودی است که دارای ویژگی‌های برتری نسبت به دیگر مخلوقات است و آنچه باعث امتیاز

انسان نسبت به سایرین می‌شود، قدرت عقل و هوش و انتخاب بین بد و خوب است. انتخاب بین عدالت و بی‌عدالتی، انتخاب بین کمک به مستضعفان یا بی‌تفاوتی در برابر آنها و انتخاب بین مبارزه با ظالمان یا تسلیم در برابر آنان. انسان‌ها بالاخره باید یکی از این راه‌ها را انتخاب کنند. مسیر درست تاریخ، برای همه انسان‌ها این است که خودشان را در مسیر دفاع از حق و مبارزه با ظالمان قرار دهند، و لوا این‌که این قضیه برای آنها هزینه داشته باشد و آنان را دچار زحمت و سختی کند. مطالعه احوال گذشتگان، به خوبی روشن می‌کند که نام چه کسانی در تاریخ ماندگار شده است. ممکن است افراد یا جامعه‌ای در هزاران سال پیش، زندگی کرده باشند، اما مرور آنچه در تاریخ بر آنها گذشته، این حقیقت را آشکار می‌کند که یاد و خاطره کسانی زنده می‌ماند و همواره به نیکی از آنان یاد می‌شود که در برابر ظلم ظالمان سکوت نکردند و در برابر ظالم قیام کردند و حتی جان خود را در این مسیر از دست دادند. همچنین همیشه کسانی را مورد سرنش قرار می‌دهیم که یا خودشان ظلم و بی‌عدالتی کردند یا این‌که چشم‌خود را در برابر ظلم به دیگران بستند و سکوت اختیار کردند. امروز و در این برهه تاریخی مهم، مانیز با ماجرای فلسطین و لبنانی مواجیم، رژیم اشغالگر قدس با حمایت کامل غرب و آمریکا و با زیر پا گذاشتن همه خطوط قرمز در قبال مردم بی‌دفاع این دو سرزمین، ظلم و بی‌عدالتی می‌کند. آیا باید در برابر این بی‌عدالتی‌ها سکوت کنیم؟ مسیر درست تاریخ این است که ما به دفاع از مردم ستمدیده و مظلوم غزه و لبنان برخیزیم و با بی‌عدالتی‌های دنیای غرب به رهبری آمریکا و صهیونیسم مقابله کنیم و در این راه، به هر صورتی که می‌توانیم این جنایات را محکوم کنیم و از هر طریق ممکن، به پشتیبانی از این مردم بی‌دفاع بپردازیم. همین حالا شاهدیم که در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا، نخبگان و دانشجویان در مراکز دانشگاهی نسبت به این جنایات، ابراز انزجار و تنفر می‌کنند. اینها همان کسانی هستند که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی در مسیر درست تاریخ قرار دارند و کسانی مثل دولتمردان اروپایی و برخی از کشورهای اسلامی به خاطر سکوت‌شان در برابر این بی‌عدالتی‌ها در مسیر غلط تاریخ ایستاده‌اند.